



## اول شعر، بعد داستان

فراز و فرود ادبیات مقاومت افغانستان  
در گفتگو با ابوطالب مظفری، شاعر و پژوهشگر افغانستانی

**انعکاس مقاومت در برابر دشمن روس و انگلیس در ادبیات داستانی افغانستان به چه صورتی بوده است؟**

ادبیات مقاومت افغانستان در برابر اشغال شوروی ابتدا در شعر ایجاد شد، با آثار استاد خلیل الله خلیلی و کتاب «شب‌های آوارگی». همین جریان بعداً در ایران به عنوان نهضت مقاومت رشد یافت.

این اتفاق در حوزه داستان اندکی دیرتر و در ایران آغاز شد؛ اولین پاورقی‌ها از داستان «رفیق روسی‌ام» اثر «سحاق صیاد» در مجله «حبل‌الله» اولین برخورد مستقیم با جریان اشغال روس‌ها بود. داستان یک سرباز روسی که توسط مجاهدین اسیر شده و آشنایی‌اش با مجاهدین مسلمان موجب تحول او می‌شود. پس از آن، در داستان‌های کوتاهی که بسیاری از داستان‌نویس‌های مهاجر در ایران نوشتند این موضوع وجود داشت.

دومین کار، رمان حسین فخری بود به

نام «شوکران در جام سرخ». این رمان مقداری عمیق‌تر و بنیادی‌تر است؛ داستان جوانی روستایی که در دهه‌ی چهل به شهر می‌آید، درس می‌خواند و تحت تأثیر القاعات مارکسیست‌ها در

مدرسه و دانشگاه قرار می‌گیرد. پس از بازگشت به زادگاه، برخورد دگرگونی‌های پدر و مادر و همشهریانش دارد؛ اما اشغال افغانستان توسط روس‌ها و مقایسه‌ی تجاوز و وحشی‌گری‌های آنان با ایده‌آل‌های مارکسیسم باعث بازگشت او به خویشانش خود می‌شود. این رمان چندبار تجدیدچاپ شده و در نوع خود نسبتاً موفق بوده.

کار سوم، رمان «خاکستر و خاک» عتیق رحیمی بود که مستقیم به جریان اشغال افغانستان پرداخته و به فیلم هم تبدیل شد. ماجرای بمباران یک روستا توسط ارتش سرخ و آسیب دیدن خانواده کارگری که در معدن زغال سنگ مشغول کار است. همسرش کشته می‌شود و پدر پیرش، فرزند آسیب‌دیده‌اش را برمی‌دارد تا به پدر تحویل دهد؛ پدری که تا آن وقت تحت تأثیر تبلیغات مارکسیست‌ها بوده و از دل‌و جان برای این جریان کار می‌کند. این رمان موفق‌تر و از نظر تکنیک قوی‌تر بود.

رمان دیگری به نام «گلیم‌باف»، کار تقی واحدی، از داستان‌نویس‌های جوان، داستان خوش‌یافت و زیبایی است که جنگ را از داخل منزل و از زبان دختر جوانی روایت می‌کند که همسر و برادرش درگیر جنگ هستند.

رمان‌های بسیار دیگری هم داریم که غیرمستقیم و در حاشیه به اشغال پرداخته‌اند؛ شاید کسی از داستان‌نویس‌های ما در این دوره نباشد که مستقیم یا غیرمستقیم به این موضوع نپرداخته باشد.

**آیا الآن هم در ادبیات داستانی افغانستان، ارجاع تاریخی به آن وقایع وجود دارد؟**

کمابیش بله؛ اما در یکی دو دهه اخیر، جریان‌ات دیگری مثل طالبان و اشغال آمریکا به وجود آمده که بیشتر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

**تهاجم انگلیس به افغانستان انعکاسی در ادبیات داستانی شما داشته؟**

بله، البته بیشتر در جنگ‌نامه‌ها و شاهنامه‌سرایی‌ها؛ چون ادبیات داستانی پدیده تازه‌تری است. تعدادی از داستان‌ها که به اشغال پرداخته‌اند زیاد موفق نبودند.

**مقاومت در برابر آمریکا در ادبیات داستانی افغانستان به چه انعکاسی دارد؟**

ممتأسفانه یک دهه درگیر ادبیات تبلیغی شدیم. طالبان تاریخ نسبتاً سیاهی را در افغانستان ایجاد کردند و با این اتفاق، تبلیغات غربی‌ها از قبیل حقوق بشر، حقوق زن و از این قبیل، جریان را منحرف کرد و نیروهای افغان هم‌سو با غربی‌ها درگیر ادبیات تبلیغی شدند. مدتی است که در حوزه شعر جریان‌های مقاومت ایجاد شده است که البته در داستان دیرتر اتفاق می‌افتد. این جریان هنوز در حال شکل‌گیری است. البته در این سال‌ها کارهای بومی و نسبتاً خوبی هم شده که رویکرد غربی نداشته است مثل کارهای محمدحسین محمدی؛ از جمله دو داستان بلند به هم پیوسته که اشغال مزارشریف توسط طالبان را روایت می‌کند و من آن را جزو بهترین کارهای دوره طالبان می‌دانم.



## زبان فارسی، بیداری را کلیدزد

ادبیات بیداری در تاجیکستان  
در گفتگو با منصور ذبیح‌الله، شاعر و پژوهشگر تاجیک

**نسبت شعر و داستان تاجیکستان، با استعمار فرهنگی شوروی چیست؟**

اعتراض به فشارها و محدودیت‌هایی که شوروی با رواج زبان روسی ایجاد کرده بود و شعر و فرهنگ فارسی را در تنگنا قرار داده بود، از دهه 60 در شعر تاجیکستان محسوس است. بدون شک تحولات و بیداری فکری در آسیای مرکزی، مخصوصاً در تاجیکستان دوران شوروی، با محوریت زبان فارسی شروع شد و زبان فارسی بیداری تاجیکستان را کلید زد. در زمان شوروی حتی دستورزبانی به تقلید از زبان روسی ساختند تا به جدایی زبان تاجیکی از زبان فارسی دامن بزنند.

در سال‌های 85 تا 90 میلادی

که شوروی در حال فروپاشی بود و گورباچف آزادی‌هایی برای اقلیت‌های قومی پذیرفته بود، در نسل ما که آن‌روز دانشجو بودیم،

گروه‌های روشنفکری قبل از این که روس‌ها به آسیای مرکزی بیایند خواستار تحول بودند. آن‌ها در بستر سنت‌های خودشان فکر می‌کردند و با اهداف کمونیست‌ها صدرصد موافق نبودند؛ اما روسیه در دوره‌ای از آن‌ها سوءاستفاده کرد و بعد هم آنان را از بین بردند.

**آیا اعتراض به استعمارگری شوروی در جنگ جهانی یا حتی تسخیر تاجیکستان، در ادبیات تاجیک ظهوری داشته است؟**

ادبیات اعتراضی در تاجیکستان بیشتر در شعر اتفاق افتاده است تا در رمان و داستان‌نویسی. در هر حال از دوره جنگ جهانی چنین چیزی نداریم و در واقع کسی نتوان اعتراض نداشته است. زمانی که شوروی تازه آمده بود یک‌سری اعتراضات ادبی شکل گرفته بوده است که آثار زیادی از آن باقی نمانده و درباره‌اش چندان کاری نشده است. گروه‌های روشنفکری قبل از این که روس‌ها به آسیای مرکزی بیایند خواستار تحول بودند. آن‌ها در بستر سنت‌های خودشان فکر می‌کردند و با اهداف کمونیست‌ها صدرصد موافق نبودند؛ اما روسیه در دوره‌ای از آن‌ها سوءاستفاده کرد و بعد هم آنان را از بین بردند.

**موضع مردم و اهالی فرهنگ چیست؟**

هنوز هم زبان در تاجیکستان، مسئله‌ای سیاسی است. نسل جدیدی از روشنفکران خود را